

۲۵.۷۳۵.

چهار باد

نویسنده: کریستین هانا

مترجم: زهرا امیدی



سرشناسه

هانا، کریستین، ۱۹۶۰-م.

Hannah, Kristin, 1960

عنوان و نام پدیدآور: چهار باد/ نویسنده کریستین هانا؛ مترجم و ویراستار زهرا امیدی.

مشخصات نشر: تهران: طراحان ایماژ، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۴۳۹ ص: ۵/۲۱×۱۴/۱۴؛ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۴۶-۰۴-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The four winds, 2021.

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار با عنوان «چهار باد: در جستجوی رویای

آمریکایی» با ترجمه فریبا بردبار توسط انتشارات کهکشان علم در سال ۱۴۰۰ و سپس در سال های

مختلف با عنوان های متفاوت توسط ناشران و مترجمان متفاوت ترجمه و منتشر شده است.

عنوان دیگر: چهار باد: در جستجوی رویای آمریکایی.

موضوع: داستان های آمریکایی -- قرن ۲۰م.

American fiction -- 20th century

شناسه افزوده: امیدي، زهرا، ۱۳۶۰- مترجم

رده بندی کنگره: PS۳۵۷۲:

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴:

شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۲۶۹۶۸:

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

انتشارات طراحان ایماژ

نام کتاب: چهار باد

نویسنده: کریستین هانا

مترجم و ویراستار: زهرا امیدي

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۴۲۰۰۰۰ تومان

چاپ: اول ۱۴۰۳

صفحه آرا و گرافیک: موسسه فرهنگی و هنری طراحان ایماژ

ISBN:978-622-8346-04-5

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۴۶-۰۴-۵

تهران، میدان انقلاب خیابان کارگر جنوبی، خیابان رواهمر، بن بست دولتشاهی پلاک ۱ واحد ۳۱

تلفن: ۶۶۹۶۹۶۶ فکس: ۶۶۹۶۹۶۵۰ همراه: ۰۹۱۲۳۰۹۹۲۰۳

@emajpublication

www.emaj.ir

info@emaj.ir

امید مانند سکه‌ای است که همیشه به همراه دارم: سکه‌ی یک‌پنی آمریکایی که مردی آن را به من داد که بسیار دوستش داشتم. یک وقت‌هایی در سفرم احساس می‌کردم که انگار آن پنی و امید تنها چیزهایی بودند که باعث می‌شد همچنان به مسیرم ادامه دهم. در جست‌و جوی زندگی بهتر به غرب آمدم، اما رؤیای آمریکایی‌ام به خاطر فقر و سختی و حرص تبدیل به کابوس شد. در این چند سال گذشته روزگار سختی را گذراندیم که همه چیزمان را از دست دادیم: خانه، شغل و غذایمان.

سرزمینی که به آن عشق می‌ورزیدیم به ما پشت کرد و تمام دار و ندارمان را گرفت و ما را به خاک سیاه نهاد، حتی بی‌مردان خودرأیی که از آب و هوا حرف می‌زدند و بابت فصل برداشت خوب و پر و پیچمان می‌گفتند به همدیگر تبریک می‌گفتند آن‌ها بر این باور بودند که مرد برای درآوردن خرج زن و بچه و زندگی باید در اینجا مبارزه کند. یک مرد.

همیشه صحبت از مردها بود. به نظر مردها، پختن و نگاهت و وضع حمل و رسیدگی به باغات در برابر کاری که آن‌ها انجام می‌دادند هیچ ارزشی نداشت. اما ما زنان دشت بزرگ از طلوع تا غروب آفتاب کار می‌کردیم، در مزارع گندم آنچنان زجر می‌کشیدیم که همانند سرزمینی که به آن عشق می‌ورزیدیم خشک و آفتاب‌زده می‌شدیم.

گاهی اوقات، وقتی چشمانم را می‌بندم، قسم می‌خورم هنوز هم مزه‌ی گرد و خاک را در دهانم حس می‌کنم...

۱. Great Plains: گسترده‌ی وسیعی از زمین‌های صاف در شمال مرکزی آمریکای شمالی که از تگزاس تا آبرتا در کشور